

آرم سلطنتی فتحعلی شاه

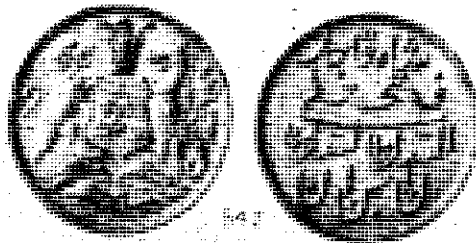
دانشمند گرامی جناب آقای یحیی ذکاء در مورد مقاله ای که بقلم فاضل ارجمند آقای محمد مشیری تحت عنوان «معرفی چند سکه از دوران قاجاریه» در شماره دوم سال پنجم مجله بررسیهای تاریخی چاپ شده بود مطالبی مرقوم داشتند که ما آنرا عیناً از نظر آقای مشیری گذرانیده و اینک نامه آقای ذکاء و جوابی که آقای مشیری بدفتر مجله ارسال داشته اند ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

بررسی های تاریخی

مجله محترم بررسیهای تاریخی

در شماره دوم سال پنجم آن مجله دوست فاضل و محترم این جانب آقای محمد مشیری در مقاله مفید خود تحت عنوان «معرفی چند سکه از دوران قاجاریه» اشاره به مقالات مسلسل و کتاب «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم هجری تا امروز» نوشته این جانب کرده و نکات و ملاحظات چند درباره مطالب آن درج کرده اند که اینک ضمن سپاسگزاری از الطاف ایشان در مورد نسبت دادن علاقمندی به شعائر ملی و مذهبی و داشتن احساسات عالی به شخص این جانب، لازم میدانم در خصوص دخالت دادن نظریه های شخصی و احساسات در مورد یک موضوع تاریخی که بگمان ایشان منجر به ضعف مبنای تحقیقی و علمی نوشته ام گردیده است توضیح مختصری بدهم.

آقای مشیری در مورد سکه جالبی که از عهد فتحعلیشاه در مجموعه



شکل ۱ - پشت و روی سکه نقره فتحعلی شاهی موزه بریتانیا. ضرب انگلستان.

سکه‌های موزه بریتانیا موجود است (شکل ۱) و اینجانب برای نخستین بار راجع به نقش روی آن و نمونه دیگری از همان نقش که در کاخ گلستان بر روی ظرفی دیده می‌شود، در کتاب فوق مطالبی آورده‌ام، مرقوم داشته‌اند که «این سکه‌ها از طرف دولت ایران سفارش داده نشده است و پس از رسیدن به ایران هم در جریان داد و ستد و در دسترس مردم نبوده است. این سکه‌ها جزو هدایایی است که دولت انگلیس بوسیله سرگوراوزلی به دربار ایران فرستاده بود و بعنوان «دست‌لاف» بین وزرا و درباریان بخش شده و هیچ‌گونه ارزش پولی نداشته است.» آقای مشیری با آوردن مطالب فوق خواسته‌اند، علاوه بر رد نظر اینجانب که این آرم برای دولت ایران پدید آورده شده و بر روی سکه‌هایی در انگلیس ضرب شده بود، ضمناً میان پول‌طلائی که دولت انگلیس در سال ۱۸۱۱ میلادی (۱۲۲۶ ه. ق.) توسط سرگوراوزلی بدر بار فتح‌علی شاه ارسال داشته بود و این سکه‌ها، ارتباطی برقرار سازند ولی متأسفانه ایشان در آن مقاله دلیل و مدرکی برای وجود این ارتباط ارائه نداده‌اند و در واقع قدرت و ضعف استدلال و نظر ایشان نیز در این مورد دست کمی از نظر اینجانب که با عبارات «گویا» و «از قرائن چنین پیداست» بیان شده است ندارد. و انگهی نویسنده محترم توجه نکرده‌اند که اینجانب در همان کتاب نوشته‌ام که فلوسی مسین که خط آن عین خط و نوشته سکه موزه بریتانیاست در همدان در نزد شخصی دیده‌ام که آرم روی آنرا با سوهان سائیده بودند. بنظر ما حتی ضرب سکه «نقره» در انگلستان و ارسال آن بعنوان دست‌لاف یا بهتر بگوئیم «رشوه» بدربار فتح‌علی شاه کار عجیبی می‌نماید تا چه رسد ارسال فلوس مسی که بنا بنوشته خودشان ارزش پولی هم نداشته است.

لا بد توجه کرده‌اند که نظر اینجانب در مورد این آرم منحصر آستکی به نقش این سکه نقره نبوده است که اگر جزو دست‌لاف قرار گرفت همه نتایجی که از آن گرفته‌ام بکلی باطل شده و نادرست از آب درآید، این جانب در آن کتاب مدرک دیگری از مجموعه چینی‌های کاخ گلستان ارائه داده‌ام که آرمی

عیناً شبیه به آرم سکه مزبور بر روی آن نقش شده و از طرف دولت انگلیس به فتحعلی شاه هدیه شده است و وجود همین ظرف خود به تنهایی ثابت می‌کند که این علامت محض تفنن و یا بیخودانه بر روی آثار مختلف نقش نبسته و منظور از آن نمایاندن آرم سلطنتی ایران بوده است (شکل ۲).



شکل ۲ - پیاله چینی با آرم سلطنتی که از طرف دولت انگلیس به فتحعلی شاه هدیه گردیده است . (عکس از موزه گلستان)

بی‌گمان معرفی نمونه دیگری از این آرم بر روی یک سکه ایرانی از مجموعه موزه ایران باستان که آقای مشیری انجام داده‌اند کاریست سودمند که در نزد اهل تحقیق مأجور خواهد بود ولی از آنجا که اثبات شیئی نفی ماعدا نمی‌کند، در این مورد باید بچند نکته توجه داشت.

نکته اول این است که سرگوراوزلی باریکم بسال ۱۸۱۱ میلادی (۱۲۲۶- ه. ق.) به ایران آمده است و پولی که بدربار ایران تحویل داده طلا بوده نه نقره و مس و نیز تا کنون ندیده‌ایم که درجایی به نقش و نوع سکه‌های این هدیه اشاره‌بی شده باشد.

نکته دوم این‌که چون در سال ۱۲۴۱ ه. ق. نخستین سی سال سلطنت فتحعلیشاه پایان یافته و قرن دوم سلطنت او آغاز گردید، او را «سلطان

صاحبقران» نامیده و باین مناسبت در همان سال دو نوع سکه ضرب کردند :^۱
یکی سکه‌یی که سی و شش نخود نقره داشت و این مصرع بر روی آن
نقش بسته بود : «سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران» و آنرا «سکه صاحبقرانی»
نامیدند که بعداً به تخفیف فقط «قران» گفته شد که هنوز هم در زبان مردم
ایران جاریست .

دوم سکه اشرفی بود با هجده نخود طلای خالص که روی آن مصرع زیر
ضرب شده بود «سکه فتحعلی شه خسرو کشورستان» و این سکه های طلا را
نیز «کشورستانی» نامیدند ولی چون پول طلا کمتر از سکه های نقره در دسترس
مردم بود از این رو نام آن مانند نام «قران» شهرتی نیافت و رفته رفته فراموش گردید
آقای مشیری که کتابی در زمینه سکه های ایران در دست تألیف دارند
باید بهتر از اینجانب بدانند سکه طلایی که در مجموعه سکه های موزه ایران-
باستان مشاهده کرده و تصویر آن را در مقاله شان آورده اند ، همان سکه
«کشورستانی» فتحعلی شاهمی است که بسال ۱۲۴۱ ه . ق . با آرم مورد بحث
ضرب شده است . (شکل ۳)



شکل ۳- عکس رو و پشت سکه طلای فتحعلیشاه قاجار است که در موزه
ایران باستان به شماره ۳۷۷ ضبط می باشد .

۱- منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۳۲ .

چنانکه مشاهده می‌شود، میان تاریخ ارسال پول طلای دولت انگلیس (۱۲۲۶ ه. ق.) و ضرب سکه کشورستانی (۱۲۴۱ ه. ق.) مدت پانزده سال فاصله است و بسیار بعید و نامعقول می‌نماید که دولت ایران پس از پانزده سال با آن همه جریانات سیاسی که پیش آمده بود بخواهد بمناسبت سی‌امین سال سلطنت شاه مملکت سکه‌یی ضرب کند و در آنجا بفکر استفاده از آرم‌مجموعول یا ترکیبی که بر روی سکه‌های ارسالی دولت انگلیس ضرب شده بود بیفتد و از آن استفاده کند.

همانگونه که در کتاب خود نوشته‌ام، بنظر اینجانب این آرم در همان سالهای ۴۲-۱۲۴۱ ه. ق. برای دولت ایران ساخته شده و موقتاً بمدت بسیار محدودی بکاررفته و سپس بعللی پذیرفته نشده و آثار آن جمع‌آوری و از بین برده شده است و اگر غیر از این بود میبایست سکه‌های مسی و نقره‌یی و طلائی متعددی از آن در گوشه و کنار کشور و خارج از کشور بدست می‌آمد. دلیل اینکه علامت‌روی سکه‌های مورد بحث آرم سلطنتی ایران بوده و بهمین علت هم بر روی سکه‌های نقره و طلا ضرب گردیده و بر روی ظروف نقش بسته است وجود سند و نمونه چهارمی است که نخستین بار در اینجا بمعرفی آن می‌پردازیم. (شکل ۴)

الکساندر جوتز ادوارد یک افسرانگلیسی است که کتابی بنام «مسافرت از هند تا انگلستان» در فاصله سالهای ۲۶-۱۸۲۵ میلادی (۴۲-۱۲۴۱ ه. ق.) نوشته و بسال ۱۸۲۷ میلادی در لندن بچاپ رسانیده است. در این سفرنامه نویسنده کتاب ضمن بحث راجع به ایران تصویر درفشها و آرم سلطنتی ایران را در پایان کتاب خود بدون توضیح اضافی آورده است که در اینجا عیناً بچاپ میرسد. باوجود این کتاب و معرفی شدن این علامت در آن بعنوان «آرم سلطنتی ایران» در فاصله سالهای ۴۲-۱۲۴۱ ه. ق. که مقارن با زمان ضرب سکه

۲- از سال ۱۲۴۲ به بعد که آرم مذکور از روی سکه‌های طلا و نقره «کشورستانی» حذف گردید، بجای آن عبارت «ضرب دار الخلافه تهران» بر روی سکه‌ها بکار میرفت.



شکل - ۴ آرم سلطنتی ایران - نقل از کتاب الکساندر جونز ادوارد .
چاپ لندن ۱۸۲۷ م

کشورستانی است، دیگر شک و تردیدی در صحت نظر و نوشته های ما در آن کتاب باقی نمی ماند و نیز کاملاً آشکار میگردد که این آرم سلطنتی در همین زمانها (شاید هم بمناسبت صاحبقران شدن فتحعلی شاه) پدید آمده و سپس از میان رفته است و هیچ ارتباطی با هدایای سرگوراوزلی و پول هدایی دولت انگلیس در سال ۱۲۲۶ ه. ق. نداشته است .

بدینسان ملاحظه میشود که اینجانب بهیچ وجه نظر شخصی یا احساساتم را بدون ارائه سند و مدرک در نوشته ام دخالت نداده ام تا خدای نا کرده مبنای تحقیقی و علمی آنرا تضعیف نماید و مراد در نزد اهل تحقیق شرمسار سازد .

تهران - سوم مهرماه ۱۳۴۹
یحیی ذکا

=۲=

مجله محترم (بررسی های تاریخی)

مرقومه (جناب آقای یحیی ذکاء) زیارت شد، قبل از عرض جواب متذکر می شوم که بنده بدوستی جنابشان مفتخرم و ایشان را علاوه بر مراتب دانش و فضلشان صاحب مقامات بسیار ارجمند معنوی و اخلاقی میشناسم و شخصیت و فضایل ایشان همواره مورد احترام و تکریم بی نهایت بنده است.

اما در موضوع نامه، تصور میکنم برای ایشان اشتباهی رخ داده است، زیرا بنده بهیچوجه وارد این بحث نشده ام که «نظرایشان در مورد انتخاب آرم مزبور جهت آرم سلطنتی فتحعلیشاه درست بوده یا خیر». و چون در آن مورد هیچگونه مطالعه و بررسی ندارم، خود را فاقد صلاحیت دانسته و ابداً در مقاله خودم متعرض آن موضوع نشده بودم و اکنون نیز تائید و یا خدای نکرده طرد نظریه ایشان را در آن خصوص به اهل فن و فضلائى که صلاحیت دارند واگذار می کنم.

امامطلبی که بنده بانهایت احترام و ادب متذکر شده بودم، درباره این بود که آقای یحیی ذکاء علت عدم رواج سکه نقره ضرب انگلستان را چنین مرقوم داشته بودند:

« چون کلمه (الله) از نظر ایرانیان مسلمان در جای بسیار نامناسب افتاده است لذا ذوب گردیده و از بین رفته است.» بنده نوشته بودم که نباید چنین باشد، زیرا با همان وضع و همان آرم و همان جای مناسب یا نامناسبی که کلمه (الله) قرار داشت عیناً سکه طلائی که شعار (سکه فتحعلی خسرو کشورستان) در روی آن با خط خوش نستعلیق نقش بسته در طهران ضرب زده اند که خوشبختانه خود ایشان نیز در بالا تائید فرموده اند.

اظهار نظریه بنده ابداع و ازارج و اهمیت تحقیق ایشان ذره نمی کاهد و امیدوارم اگر هم بنده اشتباه کرده ام باسعه صدر و بزرگواری که دارند غمض عین فرموده و عفو فرمایند.

باتقدیم احترامات صمیمانه

محمد مشیری

در شماره گذشته این مجله صفحه ۳۷۳ درباره
« کتاب التاج فی سیره انوشیروان » چنین گفته شد :
« از قراری که شنیده ایم کتاب التاج فی سیره انوشیروان
بار دیگر و پیش از آنکه آقای دکتر محمدی آنرا ترجمه
کنند توسط دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی
بفارسی برگردانیده شده است . . . » اینک در آخرین
لحظاتی که مجله زیر چاپ بود نامه ای از يك خواننده
ارجمند دریافت داشتیم که تاریخ دقیق چاپ این مقاله را
مشخص مینماید. و نیز در همین نامه اشاره شده است که
آقای رحیم زاده صفوی در همان ایام ، آن را بصورت
رساله ای بطبع رسانیده است . اینک ضمن سپاسگزاری
فراوان از توجه همه خوانندگان مجله بررسیهای تاریخی
خاصه آقای احمد توکلی ، متن نامه ایشان را برای
آگاهی بیشتر علاقمندان درج مینمائیم .

بزی ای تاریخی

آقای سردبیر مجله بررسیهای تاریخی

بعنوان یکی از خوانندگان مجله پر ارج بررسیهای تاریخی از ملاحظه
نامه آقای دکتر محمد محمدی راجع به ترجمه محقق محترم آقای
سید محمد علی امام شوشتری از کارنامه خسرو انوشیروان که نشانه توجه بود

خوشحال شدم و مخصوصاً خرسندیم از اینکه این مقاله مجدداً از طرف امام- شوشتری نشر داده شده افزون گردید زیرا معلوم شد بعلمت اینکه تا بحال قرن تاریخی قبل از اسلام ایران از طرف هیچ بنگاهی یکجا و کامل چاپ نشده آنچه جسته گریخته منتشر شده بود بعلمت نبودن کتابهای راهنما از نظر ها محو مانده است.

درباره این ترجمه برای مزید اطلاع باید عرض کنم علاوه بر اینکه آقای محیط طباطبائی آنرا در شماره نهم و دهم مجله شرق بتاریخ شهریور و مهر ۱۳۱۰ برابر ربیع الثانی و جمادی الاول ۱۳۵۰ در صفحات ۵۵۲ و ۵۹۰ منتشر کردند. آقای رحیم زاده صفوی هم در اسفند سال ۱۳۱۰ آنرا بصورت رساله ای بطبع رسانید. تصور میکنم این رساله بعدیکبار هم تجدید چاپ شد. رحیم زاده صفوی اشاره بوجود چند کارنامه متعلق به چند پادشاه ساسانی میکند همچنین به وصیتنامه اردشیر بابکان که در همان تجارب الامم ثبت بوده و از قرار معلوم ایشان قصد ترجمه آنرا هم از عربی بفارسی داشته اند. محیط طباطبائی به ترجمه کارنامه ترجمه خطبه انوشیروان بمردم ایران را افزوده است.

از تصدیع پوزش میطلبم.

احمد توکلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی